178639 ـ حقوق واجب و مستحب مسلمان بر مسلمان

سوال

ما دربارۀ حدیث پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ دربارۀ حق مسلمان بر مسلمان می‌دانیم. سؤال من این است: آیا برای ادا نکردن برخی از این حقوق برادر مسلمان خود گناهکار خواهیم شد؟ از شما برای کار خوبی که می‌کنید متشکرم.

خلاصه‌ی پاسخ

حقوق مسلمان بر مسلمان پرشمار است. برخی از این حقوق واجب عینی است که بر تک تک افراد واجب است و اگر ترکش کند گناهکار می‌شود. برخی دیگر از این حقوق، واجب کفایی است که اگر برخی انجامش دهند، گناهش از گردن دیگران ساقط می‌شود. برخی دیگر از این حقوق مستحب است و واجب نیست و مسلمان برای ترک آن گناهکار نمی‌شود.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

حقوق مسلمان بر مسلمان پرشمار است

حقوق مسلمان بر مسلمان پرشمار است. برخی از این حقوق واجب عینی است که بر تک تک افراد واجب است و اگر ترکش کند گناهکار می‌شود. برخی دیگر از این حقوق، واجب کفایی است که اگر برخی انجامش دهند، گناهش از گردن دیگران ساقط می‌شود. برخی دیگر از این حقوق مستحب است و واجب نیست و مسلمان برای ترک آن گناهکار نمی‌شود.

بخاری (۱۲۴۰) و مسلم (۲۱۶۲) از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده‌اند که گفت: از رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ شنیدم که می‌فرمود: «حق مسلمان بر مسلمان پنج چیز است: پاسخ گفتن به سلام و عیادت بیمار و دنبال کردن جنازه و پذیرش دعوت و تشمیت کسی که عطسه می‌زند». (تشمیت: گفتن یرحمُكَ الله در پاسخ به الحمدلله کسی که عطسه زده است).

مسلم (۲۱۶۲) نیز از ابوهریره روایت کرده که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: «حق مسلمان بر مسلمان شش چیز است». پرسیده شد: ای رسول الله، آنها چیست؟ فرمود: «وقتی او را ملاقات کردی، به او سلام کن؛ وقتی تو را دعوت کرد، دعوتش را بپذیر؛ وقتی از تو نصیحت خواست، او را نصیحت کن؛ وقتی عطسه کرد و الحمدلله گفت، او را تشمیت کن (در

پاسخش يَرحَمُکَ الله بگو)؛ وقتی بیمار شد، به عیادتش برو؛ و وقتی درگذشت جنازه‌اش را همراهی کن».

شوکانی ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «مراد از قول پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ «حق مسلمان» این است که ترک آن جایز نیست و انجام آن یا واجب است یا مستحب مؤکد که شبیه به واجب است و ترک آن شایسته نیست. کلمهٔ «حق» در دو معنا به کار می‌رود: یکی به معنای واجب ـ چنانکه ابن اعرابی می‌گوید ـ و دیگری به معنای ثابت و لازم و صدق (درستی) و غیره. ابن بطال گفته است: مراد از حق در اینجا حرمت و صُحبت است». (نیل الأوطار ۴/۲۱).

۱ـ پاسخ به سلام اگر به یک نفر باشد، واجب است و اگر به جماعت باشد، فرض کفایی است. اما پیش‌گام شدن در سلام، اصل آن است که سنت است. در «الموسوعة الفقهية» (۱۱/۳۱۴) آمده است: «شروع به سلام سنت مؤکد است، به دلیل قول پیامبر صلی الله علیه وسلم: «سلام را میان خود گسترش دهید». و پاسخ به سلام اگر به یک نفر باشد، واجب است. اگر به جماعت سلام داده شود، پاسخ دادن برای آنها فرض کفایت است. اگر یکی از آنها پاسخ دهد، گناه از بقیه ساقط می‌شود. اگر همه پاسخ دهند، همه به انجام فرض پرداخته‌اند، چه همزمان پاسخ دهند و چه به ترتیب. اگر همه امتناع کنند و پاسخ ندهند، همه گناهکارند».

۲ـ عیادت بیمار فرض کفایی است. شیخ ابن عثیمین گفته است: «عیادت بیمار فرض کفایی است». (مجموع فتاوى ورسائل ابن عثيمين: ۱۳/۱۰۸۵).

۳ـ تشییع جنازه نیز فرض کفایی است پاسخ شمارهٔ (67576) را ببینید.

۴- پذیرفتن دعوت: اگر دعوت به ولیمهٔ عروسی باشد، جمهور بر وجوب پذیرفتن آن هستند، مگر به دلیل عذر شرعی. اگر دعوت به غیر ولیمهٔ عروسی باشد، جمهور بر استحباب آن هستند. اما برای پذیرفتن دعوت شروطی وجود دارد. برای شناخت آن به پاسخ شمارهٔ (22006) مراجعه کنید.

۵- تشمیت عاطس (پاسخ گفتن به الحمد لله کسی که عطسه زده): در حکم آن اختلاف نظر وجود دارد. در «الموسوعة الفقهية» (۴/۲۲) آمده است: «تشمیت عاطس نزد شافعیان سنت است. نزد حنابله و حنفیه واجب است. مالکیان و برخی از حنابله آن را واجب کفایی می‌دانند. برخی نیز آن را فرض عین می‌دانند».

آشکارترین و قوی‌ترین اقوال این است که تشمیت عاطس بر کسی که «الحمد لله» عطسه زننده را می‌شنود، واجب است. زیرا بخاری (۶۲۲۳) از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ روایت کرده که فرمود: «همانا الله عطسه را دوست دارد و خمیازه را بد می‌دارد؛ پس هرگاه کسی عطسه زد و حمد الله را گفت، بر هر مسلمانی که صدایش را شنیده حق است که او را تشمیت کند».

ابن قیم ـ رحمه الله ـ گفته است: قبلا حدیث ابوهریره گذشت که در آن آمده است: «پس هرگاه کسی عطسه زد و حمد

الله را گفت، بر هر مسلمانی که صدایش را شنیده حق است که او را تشمیت کند» ترمذی عنوان حدیث انس را با این عنوان و تحت این باب آورده است: «باب آنچه دربارۀ وجود تشمیتِ الحمدلله عطسه زننده آمده است». «ظاهر حدیث این است که تشمیت فرض عین بر هر کسی است که حمد عطسه زننده را می‌شنود». این نشان می‌دهد که این کار واجب است و درست نیز همین است، زیرا احادیث صریح آشکار دربارۀ وجوب این کار وارد شده بی‌آنکه مُعارِض و مخالفی داشته باشد.

از جمله این احادیث، حدیث ابوهریره است که پیش از این ذکر شد. همچنین حدیث دیگری از او که می‌گوید: «پنج چیز است که در حق مسلمان برای برادر مسلمانش واجب است» و این نیز قبلا گذشت. همچنین حدیث سالم بن عُبَید که در آن آمده است: «و کسی که نزد اوست باید بگوید: یَرْحَمُکَ اللَّه (الله تو را رحمت کند)». و نیز حدیثی که ترمذی از علی روایت کرده است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «شش چیز است که در حق مسلمان برای مسلمان دیگر به نیکی واجب است: وقتی او را دید سلام کند، وقتی دعوتش کرد اجابت کند، وقتی عطسه کرد پاسخ دهد، وقتی بیمار شد عیادت کند، وقتی درگذشت جنازه‌اش را همراهی کند و برای او آنچه را برای خود می‌پسندد، بپسندد». ترمذی این حدیث را حسن دانسته و گفته است که از راه‌های مختلفی از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است. برخی از علما در مورد حارث اعور سخن گفته‌اند (در وی ضعف وارد کرده‌اند) ولی در این باب احادیثی از ابوهریره، ابوایوب، براء، و ابومسعود نیز وجود دارد. همچنین حدیثی که ترمذی از ابوایوب روایت کرده است که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «هنگامی که یکی از شما عطسه کرد، بگوید: الحَمدُ لِله، و بگوید: عَلَی کُلّ حَال (در هر حالی) و کسی که به او پاسخ می‌دهد بگوید: یَرْحَمُکَ اللَّه (الله تو را رحمت کند)، و کسی که پاسخ او را می‌دهد بگوید: یَهْدِیکُمُ اللَّهُ وَیُصْلِحُ بَالَکُمْ (الله شما را هدایت کند و کارهایتان را اصلاح نماید)».

این‌ها چهار راه دلالت هستند:

نخست: تصریح به ثبوت واجب بودن تشمیت با الفاظ صریحی که هیچ تأویلی را برنمی‌تابد. دوم: وجوب آن با لفظ «حق». سوم: وجوب آن با لفظ «عَلی» (بر) که به شکل آشکار دال بر وجوب است. چهارم: امر به آن. و شکی نیست که بسیاری از واجبات با کمتر از این راه‌ها ثابت می‌شوند و الله تعالی داناتر است».

پایان نقل از «حاشیه ابن قیّم بر سنن ابی داود» (۲/ ۴۳۷).

و همچنین می‌گوید:

«ظاهر حدیثی که با آن شروع کردیم، این است که تشمیت (پاسخ به عطسه کننده) بر هر کسی که الحمد لله عطسه کننده‌ای را می‌شنود، فرض عین است و پاسخ یک نفر از آنها کافی نیست. این یکی از دو قول علما است و ابن ابی زید و ابوبکر بن العربی مالکی آن را انتخاب کرده‌اند و هیچ دلیلی برای رد آن وجود ندارد».

پایان نقل از «زاد المعاد» (۲/ ۴۳۷).

۶- اما نصیحت کردن، اگر کسی از او درخواست نصیحت کند: به نظر می‌رسد که واجب کفایی است. ابن مفلح ـ رحمه الله ـ گفته است: «ظاهر کلام احمد و اصحاب او وجوب نصیحت برای مسلمان است، حتی اگر درخواست نکند چنانکه ظاهر اخبار دال بر آن است...». (ابن المفلح، الآداب الشرعیة: ۱/ ۳۰۷).

ملا علی قاری رحمه‌الله می‌گوید:

«(و اگر از تو نصیحت خواست) یعنی اگر از تو درخواست نصیحت کرد، (او را نصیحت کن) و این واجب است. همچنین نصیحت کردن واجب است، حتی اگر از او درخواست نکند». (مرقاة المفاتیح: ۵/ ۲۱۳).

حافظ ابن حجر رحمه‌الله می‌گوید:

«و مشخص شده است که معنای «حق» در اینجا وجوب است، برخلاف گفتهٔ ابن بطال که مراد از آن، حق حرمت و دوستی است. ظاهر این است که مراد از آن در اینجا وجوب کفایی است». (فتح الباری: ۳/ ۱۱۳).

والله اعلم.